

## An examination of relationship between mothers' early maladaptive schemas and maladaptive parenting styles

Daemi F. MSc<sup>✉</sup>, Janbozorgi M. PhD<sup>1</sup>

<sup>✉</sup> Department of Psychology, University Of Science & Culture, Tehran, Iran

<sup>1</sup>Department of Psychology, Hawzah and University, Qom, Iran

Submitted: 2012.8.30

Accepted: 2013.8.11

### Abstract

**Introduction:** This study aims to examine relationship between mothers' early maladaptive schemas and maladaptive parenting styles.

**Method:** The sample consists of 630 mothers having a primary school child. They were picked using cluster sampling from Tehran's public primary schools. Participants answered The Parenting Style Inventory and Young Schema Questionnaire. Afterwards, the data was analyzed by Pearson Correlation's and Multiple Regression.

**Results:** the results show a direct and linear relationship between mothers' early maladaptive schemas and parental maladaptive styles. The result of the multiple regression also indicates that authoritarian parenting style can be explained by abandonment/instability, mistrust/abuse and entitlement/grandiosity's schemas; indulgent parenting style can be explained by abandonment/instability and defectiveness/shame's schemas as well.

**Conclusion:** Parental maladaptive styles of mothers residing in Tehran, are somewhat influenced by their maladaptive schemas; Thus, education of rational beliefs really count to adaptive parenting styles.

**Keywords:** Early Maladaptive Schema, Parenting Style, Mother

## بررسی رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه مادران و سبک‌های ناسازگارانه والدینی آنها

فاطمه دائمی<sup>✉</sup>، مسعود جان‌بزرگی<sup>۱</sup>

<sup>✉</sup> گروه روان‌شناسی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران  
<sup>۱</sup> گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۲۳

### چکیده

**مقدمه:** پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان روان‌بندهای ناسازگار اولیه مادران و سبک‌های ناسازگارانه والدینی آنها انجام شده است. **روش:** گروه نمونه شامل ۶۳۰ مادر بود که دارای یک فرزند دبستانی دارند. این نمونه از طریق دبستان‌های دولتی تهران به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. شرکت‌کنندگان به پرسش‌نامه‌های سبک والدینی و روان‌بنه یانگ پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** نتایج حاکی از ارتباط خطی مستقیم میان روان‌بندهای ناسازگار اولیه مادران با سبک‌های ناسازگارانه‌ی والدینی بودند. همچنین نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره نشان داد که سبک والدینی سخت‌گیرانه توسط روان‌بندهای رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/سوءاستفاده و محق بودن/خود بزرگ‌بینی؛ و سبک‌والدینی سهل‌گیرانه توسط روان‌بندهای رهاشدگی/بی‌ثباتی و نقص/شرم قابلیت پیش‌بینی دارد. **نتیجه‌گیری:** سبک‌های ناسازگارانه‌ی والدینی مادران تهرانی، تا حدی تحت‌تأثیر روان‌بندهای ناسازگارانه‌ی آنها می‌باشد، لذا برای برخوردار بودن از سبک‌های سازگارانه فرزندپروری آموزش باورهای منطقی از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است.

**کلیدواژه‌ها:** روان‌بنه (طرحواره) ناسازگار اولیه، سبک والدینی، مادر

## مقدمه

علم والدینی (Parenting) و عرصه پژوهش‌های والدینی هنوز نسبتاً جوان است، ولی در سال‌های اخیر پژوهش‌های بیش‌تری را به خود اختصاص داده است و بنا به عقیده‌ی /سمیت نتایج حاصل از خانواده‌های متنوع، پیچیده و نگران‌درباره‌ی تاثیر خانواده‌های محروم از پدر بود که آن‌ها را به این درک رسانید که والدینی (فرزندپروری) با افزایش رفتارهای ضد اجتماعی در کودکان و افراد جوان در ارتباط است. در همان زمان، افزایش آگاهی از کودک‌آزاری، طرد و غفلت و مرگ کودک بود که تمایلی به درک و نشانه‌های سوء استفاده یا غفلت والدینی پیدا شد. این تغییرات همراه با تمایل به مداخلاتی که باید بر اساس شواهد باشد، محرک‌هایی برای افزایش پژوهش در والدینی شد [۱].

امروزه سبک والدینی والدین یکی از سازه‌های جهانی است [۲] که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عاملی مهم برای رشد و یادگیری کودکان به شمار می‌آید [۳، ۶]. باصریند [۷، ۸] که از نظریه پردازان اصلی سبک‌های والدینی است، دو بعد برای سبک والدینی تعیین کرد: بعد اول، توقع است که به میزان کنترل والدینی روی تمام فعالیت و رفتارهای کودک اطلاق می‌شود. والدینی که در این بعد نمره بالایی کسب می‌کنند استانداردهای بالایی را برقرار می‌کنند و از کودکانشان انتظار دارند که با این استانداردها سازگار شوند. بعد دوم، سطح پاسخ‌دهی والدینی است که به میزان گرمی و حمایت‌کنندگی والدین به کودکانشان اطلاق می‌گردد. والدینی که نمره بالایی در این زمینه کسب می‌کنند، بسیار پذیرا و پاسخ‌دهنده هستند. باصریند با استفاده از این ابعاد، سه سبک والدینی مقتدرانه، سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه را تعیین کرده است.

سبک مقتدرانه، مناسب‌ترین سبک والدینی است چون در این سبک، والدین کودکان را به استقلال تشویق می‌کنند. اما برای آن‌ها محدودیت‌هایی هم قائل می‌شوند و عملکرد آن‌ها را کنترل می‌کنند. والدینی که سبک سهل‌گیر دارند، در زندگی فرزندان خود خیلی دخالت می‌کنند، ولی ممنوعیت و محدودیت اندکی برای آن‌ها قائل می‌شوند. در واقع بیش از حد پاسخگو هستند ولی در مقابل، والدین سخت‌گیر می‌کوشند رفتار و نگرش‌های فرزندان‌شان را بر اساس مجموعه‌ای از معیارهایی که به وسیله یک حالت سلطه مدار هدایت می‌شود، شکل داده، کنترل و ارزیابی کنند [۷، ۸].

تحقیقاتی که روی تأثیرهای والدین بر رفتار فرزندان انجام شده است به طور واضح نشان داده‌اند که سبک والدینی به عنوان یک پیش‌بین محیطی برای مشکلات رفتاری کودک است (به طور مثال [۹]). زیرا والدین از عوامل تأثیرگذار بر زندگی فرزندان می‌باشند و در طول تاریخ مراقبت از کودک، آموزش، اعمال انضباط و مدیریت زندگی را بر عهده داشته‌اند [۱۰].

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سبک والدینی با متغیرهای بدنی فرزندان نیز در ارتباط است، از جمله تأثیری که بر چاقی یا لاغری آن‌ها می‌گذارد [۱۱]. اما علاوه بر این مهم، باید تأثیر روانی آن را

نیز در نظر داشت زیرا شواهد روشنی برای رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده و عملکردهای روانی وجود دارد [۱۲]. پژوهش‌های زیادی اخیراً انجام گرفته است که ارتباط میان سبک والدینی را با خود ناتوان‌سازی [۱۳]، خودپنداشت [۱۴، ۱۵]، تنظیم هیجان و شایستگی هیجانی [۱۶]، مشکلات برونی سازی شده [۱۷]، مشکلات درونی سازی شده [۱۸، ۱۹]، اختلالات خوردن [۲۰، ۲۱]، اضطراب و مشکلات سایکوسوماتیک [۲۲]، رفتارهای پرخاشگرانه و قانون شکنی [۲۳]، رفتارهای اجتماعی [۲۴]، رشد هیجانی اجتماعی [۲۵]، سخت‌رویی [۲۶]، حرمت خود [۱۱، ۲۷] و اعتیاد فرزندان [۲۸] نشان می‌دهند.

بنابر یافته‌های علمی که مورد اشاره قرار گرفت، پژوهش حاضر درصدد بررسی یک متغیر جدید یعنی روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه (Early Maladaptive Schemas) والدین در کنار سبک والدینی است تا ارتباط میان سبک والدینی و روان‌بنه‌های ناسازگار را مورد بررسی قرار دهد و از آن جایی که اکثر پژوهش‌ها روی سبک والدینی مادر تمرکز دارند تا سبک والدینی پدر [۲۹]، این پژوهش نیز تأکید خود را روی مادران متمرکز کرده است.

به باور یانگ [۳۰] روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه ساختارهای شناختی عمیق، شامل باورهایی درباره خود، دیگران و محیط هستند که از ارضاء نشدن نیازهای اولیه به ویژه نیازهای هیجانی در دوران کودکی سرچشمه می‌گیرند. این روان‌بنه‌ها، اطلاعات مربوط به رابطه بین فرد و محیط را تحریف و افکار خودکار منفی را فعال می‌کنند و در نهایت نگرش‌ها و پردازش شناختی نابهنجار را در پی دارند. این الگوهای تحریف شده و ناکارآمد، به عنوان یک عامل نفوذی در سرتاسر زندگی فرد ادامه می‌یابند و بر حافظه، شناخت، احساسات جسمانی و روابط بین فردی فرد اثر می‌گذارند [۳۱]. جان‌بزرگی [۳۲] نیز معتقد است که روان‌بنه‌ها نه تنها فراتر از یک فکر، بلکه کاملاً آینده‌ای از فکر و احساس و عمل هستند که به شکلی پویا علاوه بر طرح عمل بودن، انسان را نیز طراحی می‌کنند. روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه شامل پنج حوزه و هجده روان‌بنه هستند که به اختصار هر یک از حوزه‌ها توضیح و روان‌بنه‌های مربوطه معرفی شده‌اند. اولین حوزه مربوط به حوزه انفصال و طردشدگی است در این حوزه، انتظار این است که نیازهای فرد برای امنیت، محبت، همدلی، در میان گذاشتن احساسات، پذیرش و احترام به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی ارضاء نخواهد شد که شامل روان‌بنه‌های ره‌اشدگی / بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی / سوءاستفاده، محرومیت عاطفی، نقص / شرم و انزوای اجتماعی / احساس بیگانگی هستند. حوزه دوم، حوزه استقلال و عملکرد معیوب است. در این حوزه انتظاراتی که فرد از خود و محیط دارد با توانایی‌های محسوس او برای جدایی، بقاء و عملکرد مستقل یا انجام موفقیت آمیز کارها تداخل می‌کنند. روان‌بنه‌های این حوزه شامل وابستگی / بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر خطر، گرفتارشدگی / خود تحول‌نا یافتگی و شکست هستند. حوزه محدودیت‌های آسیب‌ز، حوزه باور به نقص در محدودیت‌های درونی، احساس مسولیت در قبال دیگران یا جهت‌گیری نسبت

پانزده روان‌بنه ناسازگار اولیه را می‌سنجد. هر ماده به کمک شش گزینه و به سبک لیکرت از کاملاً غلط تا کاملاً درست درجه‌بندی می‌شود. نمره بالا در یک خرده‌مقیاس معین احتمال بیش‌تر وجود یک روان‌بنه ناسازگار را برای آن فرد نشان می‌دهد. در پژوهش *والسر و همکاران* [۳۵] آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۶ و برای تمام خرده‌مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۸۰ بود. صدوقی و همکاران [۳۶] نیز روابی بین فرهنگی این پرسش‌نامه را گزارش کردند.

**پرسش‌نامه سبک والدینی** [۲۴]: این پرسش‌نامه (متناسب با فرهنگ ایرانی بر اساس شاخص‌های *بامریند* [۷]) توسط پژوهشگران ایرانی تهیه شده است که نگرش والدین را نسبت به روش‌های مختلف تربیت کودکان می‌سنجد و در سه زیرمقیاس مقتدرانه، سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه نسبت به سبک والدینی و تربیت کودکان نمره را به افراد اختصاص می‌دهد. پرسش‌نامه مذکور شامل ۵۷ گویه می‌باشد که هر ماده به کمک پنج گزینه و به سبک لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم درجه‌بندی می‌شود. پس از نمره‌گذاری سبک‌ها، نمره بالاتر در هر سبک بیانگر سبک غالب والدینی اوست. وقتی از این ابزار برای آموزش استفاده می‌شود نمره هر فرد در سبک‌های مختلف با نمره تراز (متوسط، قوی، ضعیف)، مقایسه و سبک غالب او سنجیده می‌شود. در پژوهش *جان‌نزرگی و همکاران* [۲۴] ضریب قابلیت اعتماد همسانی درونی از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای این ابزار معادل ۰/۹۶ محاسبه شده است. همچنین سه سبک والدینی از طریق تحلیل عاملی به دست آمده‌اند.

داده‌ها بعد از کدگذاری و ورود به رایانه با نرم‌افزار SPSS16 مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات علاوه بر توصیف داده‌های آماری، از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

## یافته‌ها

نتایج حاصل از میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی پانزده روان‌بنه و سبک‌های والدینی در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

ابتدا همبستگی بین سبک‌های والدینی با پانزده روان‌بنه‌ی ناسازگار اولیه بررسی شد که در جدول ۲ نمایش داده شده است.

آن‌گونه که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، میان دو سبک والدینی ناسازگارانه‌ی سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه با تمامی روان‌بنه‌های منفی شناختی رابطه معنادار وجود دارد و این رابطه‌ی خطی نیز از نوع مثبت می‌باشد، همچنین میان سبک والدینی مقتدرانه و روان‌بنه‌های محرومیت عاطفی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ سوءاستفاده، انزوای اجتماعی/ احساس بیگانگی، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر خطر، انقیاد، بازداری هیجانی، محق بودن/ خود بزرگ‌بینی و خودمهارگری ناکافی/ انضباط فردی ناکافی نیز رابطه خطی منفی مشاهده شد.

به اهداف بلندمدت زندگی است. روان‌بنه‌های این حوزه شامل محق بودن/ خود بزرگ‌بینی و خودمهارگری ناکافی/ انضباط فردی ناکافی هستند. حوزه چهارم یا حوزه جهت‌گیری دگرسو محصول تمرکز افراطی بر تمایلات، احساسات و پاسخ‌های دیگران به گونه‌ای که نیازهای فرد نادیده گرفته شود، می‌باشد. این کار به منظور دریافت عشق و پذیرش، تداوم ارتباط با دیگران یا اجتناب از انتقام و تلافی صورت می‌گیرد که شامل انقیاد، از خودگذشتگی و جلب توجه/ جلب تحسین هستند. حوزه‌ی گوش به زنگی افراطی و بازداری که حوزه آخر است، شامل روان‌بنه‌های منفی‌نگری/ بدبینی، بازداری هیجانی، استانداردهای سخت‌گیرانه/ عیب‌جویی افراطی و تنبیه‌گری است و شامل تأکید افراطی بر واپس‌زنی احساس‌ها، تکانه‌ها و انتخاب‌های خودانگیخته فرد یا برآورده ساختن قواعد و انتظارات انعطاف‌ناپذیر و درونی شده درباره عملکرد و رفتار اخلاقی است که منجر به از بین رفتن خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش خاطر، روابط نزدیک و سلامتی می‌شود [۳۰].

بنابراین با توجه به اینکه که روان‌بنه‌ها تا حد زیادی در زمان کودکی شکل می‌گیرند و هسته باورهای اصلی فرد را تشکیل می‌دهند و در سراسر زندگی همراه فرد هستند و در عملکردهای آنان نیز حضور دارند و به گونه‌ای خود را نشان می‌دهند بعید نیست که تا حد زیادی با سبک‌های والدینی ناسازگارانه‌ی آن‌ها نیز در بزرگسالی در تعامل و ارتباط باشند. حال با توجه به این یافته‌ها سوال مطرح این است که آیا ارتباطی میان سبک‌های والدینی ناسازگارانه و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه والدین وجود دارد؟ آیا این روان‌بنه‌ها توانایی پیش‌بینی سبک‌های والدینی ناسازگارانه‌ی فرد را دارند؟ و اگر چنین است کدامیک تاثیر بیش‌تر و یا پیش‌بینی‌کننده تری دارند؟ پژوهش حاضر برای پاسخ‌گویی به این سوال‌ها طراحی شده است.

## روش

برای نمونه پژوهش حاضر مادرانی که در حال حاضر یک فرزند دبستانی داشتند، از طریق دبستان‌های شهر تهران به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و در نهایت یافته‌های پرسش‌نامه‌های ۶۳۰ مادر در پژوهش استفاده گردید. بدین منظور ابتدا شهر تهران را به ۵ حیطه جغرافیایی (شمال، غرب، مرکز، شرق و جنوب) تقسیم و از هر حیطه یک منطقه و سپس یک مدرسه دخترانه و پسرانه به طور تصادفی انتخاب شد و از تمامی مادران دانش‌آموزان آن کلاس، با کسب اجازه از وزارت آموزش و پرورش دعوت به شرکت در پژوهش شد. مادرانی که در موعد مقرر پرسش‌نامه‌ها را تحویل نداده و یا به طور کامل پاسخ نداده بودند، از مطالعه حذف شدند. ابزارهای مورد استفاده در این مطالعه عبارتند از

**پرسش‌نامه روان‌بنه فرم کوتاه** [۳۳]: پرسش‌نامه YSQ-SF شامل ۷۵ گویه است که توسط *یانگ* تهیه شده است و بر اساس یافته‌های *اسمیت و همکاران* [۳۴]

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
روان‌بندی محرومیت عاطفی	۱۰/۵۱۹۳	۵/۷۵۳۱۳	۱/۲۲۹	۰/۹۱۴
روان‌بندی رهاسدگی / بی‌ثباتی	۱۱/۷۹۵۳	۵/۷۳۸۷۱	۰/۹۳۲	۰/۲۲۸
روان‌بندی بی‌اعتمادی / سوءاستفاده	۱۰/۵۷۱۷	۵/۲۱۱۶۰	۱/۱۲۵	۱/۰۰۲
روان‌بندی انزوای اجتماعی / احساس بیگانگی	۸/۲۹۹۸	۴/۳۲۱۹۱	۱/۸۹۰	۳/۸۱۵
روان‌بندی نقص / شرم	۶/۷۲۰۱	۳/۱۴۲۳۳	۳/۲۰۸	۱۳/۹۱۳
روان‌بندی شکست	۸/۹۲۴۴	۴/۷۷۹۵۹	۱/۶۱۶	۲/۵۳۳
روان‌بندی وابستگی / بی‌کفایتی	۷/۵۲۰۳	۳/۶۸۸۴۸	۲/۰۶۸	۴/۸۵۹
روان‌بندی آسیب‌پذیری در برابر خطر	۸/۹۷۲۰	۵/۳۳۰۴۲	۱/۷۵۱	۲/۷۸۵
روان‌بندی گرفتارشدگی / خود تحول نیافتگی	۱۰/۰۶۰۷	۵/۳۶۸۱۹	۱/۱۴۳	۰/۵۸۸
روان‌بندی انقیاد	۹/۹۹۶۶	۵/۶۷۵۴۰	۱/۴۸۰	۱/۷۶۹
روان‌بندی از خود گذشتگی	۱۸/۵۶۵۲	۵/۹۳۸۱۲	۰/۱۶۱	۰/۷۹۰
روان‌بندی بازداری هیجانی	۱۱/۶۳۳۷	۶/۱۸۹۳۱	۰/۸۸۶	۰/۰۶۷
روان‌بندی استانداردهای سخت‌گیرانه / عیب‌جویی افراطی	۱۸/۴۹۱۶	۵/۶۷۹۸۳	۰/۱۰۵	۰/۶۹۶
روان‌بندی محق بودن / خود بزرگ‌بینی	۱۴/۴۰۶۶	۵/۲۶۱۱۹	۰/۳۷۶	۰/۲۵۶
روان‌بندی خودمهارگری ناکافی / انضباط فردی ناکافی	۱۲/۵۰۶۸	۵/۴۸۵۲۰	۰/۵۸۸	۰/۳۲۷
سبک والدینی سخت‌گیرانه	۲/۱۷۲۸	۰/۵۰۷۲۸	۰/۸۰۷	۱/۱۱۴
سبک والدینی سهل‌گیرانه	۲/۵۸۶۵	۰/۵۲۳۶۱	۰/۳۳۸	۰/۲۷۵
سبک والدینی مقتدرانه	۴/۱۳۸۱	۰/۴۳۵۹	۰/۵۰۱	۰/۰۹۸

جدول ۲. همبستگی میان متغیرهای پژوهش

مقیاس	سبک والدینی سخت‌گیرانه	سبک والدینی سهل‌گیرانه	سبک والدینی مقتدرانه
روان‌بندی محرومیت عاطفی	۰/۳۵۲**	۰/۲۷**	۰/۲۴۸**
روان‌بندی رهاسدگی / بی‌ثباتی	۰/۲۹۶**	۰/۲۸۶**	۰/۱۱۶**
روان‌بندی بی‌اعتمادی / سوءاستفاده	۰/۳۹۴**	۰/۲۲۶**	۰/۱۵۳**
روان‌بندی انزوای اجتماعی / احساس بیگانگی	۰/۳۶۷**	۰/۳۱۰**	۰/۲۰۰**
روان‌بندی نقص / شرم	۰/۳۶۳**	۰/۳۳۴**	۰/۲۱۹**
روان‌بندی شکست	۰/۳۲۶**	۰/۲۷۱**	۰/۱۴۳**
روان‌بندی وابستگی / بی‌کفایتی	۰/۲۴۸**	۰/۲۴۰**	۰/۲۰۳**
روان‌بندی آسیب‌پذیری در برابر خطر	۰/۳۴۴**	۰/۲۱۵**	۰/۱۲۰**
روان‌بندی گرفتارشدگی / خود تحول نیافتگی	۰/۲۲۰**	۰/۱۹۲**	۰/۰۱۵
روان‌بندی انقیاد	۰/۳۵۹**	۰/۲۹۷**	۰/۲۴۰**
روان‌بندی از خود گذشتگی	۰/۰۹۳*	۰/۰۶۴**	۰/۰۷۸
روان‌بندی بازداری هیجانی	۰/۳۵۳**	۰/۲۸۶**	۰/۲۱۰**
روان‌بندی استانداردهای سخت‌گیرانه / عیب‌جویی افراطی	۰/۱۷۹**	۰/۱۰۵**	۰/۱۲۱
روان‌بندی محق بودن / خود بزرگ‌بینی	۰/۳۴۵**	۰/۲۲۸**	۰/۱۳۱**
روان‌بندی خودمهارگری ناکافی / انضباط فردی ناکافی	۰/۳۵۶**	۰/۳۲۳**	۰/۲۳۶**

\*\* P &lt; ۰/۰۱ \* P &lt; ۰/۰۵

چنانچه در جدول دیده می‌شود سبک والدینی ناسازگارانه‌ی سخت‌گیرانه توسط روان‌بندی رهاسدگی / بی‌ثباتی (ضریب بتا = ۰/۲۰۵)، روان‌بندی بی‌اعتمادی / سوء استفاده (ضریب بتا = ۰/۱۷۰) و روان‌بندی محق بودن / خود بزرگ‌بینی (ضریب بتا = ۰/۱۴۴) پیش‌بینی می‌شود ( $F(15, 320) = 8/09$ ،  $p < 0/001$ )، این پانزده متغیر قادرند حدود ۲۷ درصد از پراکندگی نمرات سبک والدینی سخت‌گیرانه را پیش‌بینی کنند ( $R^2 = 0/27$ )، به طور کلی نتایج این تحلیل حاکی از آن است که میزان رابطه هر یک

به منظور بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی روان‌بندی منفی شناختی در سبک‌های والدینی ناسازگارانه‌ی مادران از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده شد، بنابراین دو سبک والدینی ناسازگارانه به طور جداگانه به عنوان متغیرهای ملاک و پانزده روان‌بندی منفی شناختی به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله رگرسیون چندمتغیره شدند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون مربوط به سبک ناسازگارانه‌ی والدینی سخت‌گیرانه در جدول ۳ نمایش داده شده‌اند.

(ضریب بتا = ۰/۲۱۷) پیش‌بینی می‌شود ( $p < ۰/۰۰۱$ ) و  $F(۱۵ و ۳۱۴) = ۳/۵۸$ . این پانزده متغیر قادرند حدود ۱۵ درصد از پراکندگی نمرات سبک والدینی سهل‌گیرانه را پیش‌بینی کنند ( $R^2 = ۰/۱۵$ ). به طور کلی نتایج این تحلیل حاکی از آن است که میزان رابطه هر یک از ۱۵ روان‌بنه با سبک والدینی سهل‌گیرانه متفاوت است، به نحوی که روان‌بنه‌های ره‌اشدگی / بی‌ثباتی و نقص / شرم بیش از دیگر روان‌بنه‌ها در این زمینه ایفای نقش می‌کنند و توانایی پیش‌بینی سبک والدینی ناسازگارانه‌ی سهل‌گیرانه را دارند.

از ۱۵ روان‌بنه با سبک والدینی سخت‌گیرانه متفاوت است به نحوی که روان‌بنه‌های ره‌اشدگی / بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی / سوءاستفاده و محق بودن / خود بزرگ‌بینی بیش از دیگر روان‌بنه‌ها در این زمینه ایفای نقش می‌کنند و توانایی پیش‌بینی را دارند. در ادامه نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون مربوط به سبک ناسازگارانه‌ی والدینی سهل‌گیرانه در جدول ۴ نمایش خلاصه شده است. چنان‌چه در جدول ۴ ملاحظه می‌شود سبک والدینی ناسازگارانه‌ی سهل‌گیرانه توسط روان‌بنه ره‌اشدگی / بی‌ثباتی (ضریب بتا = ۰/۱۶۹) و روان‌بنه نقص / شرم

جدول ۳. تحلیل رگرسیون چندمتغیره مقیاس سبک والدینی ناسازگارانه‌ی سخت‌گیرانه بر روی پانزده روان‌بنه منفی شناختی

سطح معناداری	t	ضریب بتا	ضریب b	R <sup>2</sup>	سطح معناداری	درجه آزادی	F	
۰/۲۰۴	۱/۲۷۲	۰/۰۸۱	۰/۰۰۷					روان‌بنه‌ی محرومیت عاطفی
۰/۰۰۱	۳/۴۸۱	۰/۲۰۵	۰/۰۱۸					روان‌بنه‌ی ره‌اشدگی / بی‌ثباتی
۰/۰۱۰	۲/۶۰۲	۰/۱۷۰	۰/۰۱۷					روان‌بنه‌ی بی‌اعتمادی / سوءاستفاده
۰/۶۶۰	-۰/۴۴۱	-۰/۰۳۲	-۰/۰۰۴					روان‌بنه‌ی انزوای اجتماعی / احساس بیگانگی
۰/۱۶۵	۱/۳۹۱	۰/۱۰۰	۰/۰۱۶					روان‌بنه‌ی نقص / شرم
۰/۱۲۶	۱/۵۳۶	۰/۱۱۰	۰/۰۱۱					روان‌بنه‌ی شکست
۰/۶۶۱	-۰/۴۳۹	-۰/۰۳۲	-۰/۰۰۴					روان‌بنه‌ی وابستگی / بی‌کفایتی
۰/۴۶۸	-۰/۷۲۷	-۰/۰۴۵	-۰/۰۰۵	۰/۳۷	۰/۰۰۰۱	۱۵ / ۳۲۰	۸/۰۹	روان‌بنه‌ی آسیب‌پذیری در برابر خطر
۰/۴۹۸	-۰/۶۷۹	-۰/۰۴۳	-۰/۰۰۴					روان‌بنه‌ی گرفتارشدگی / خود تحول نیافتگی
۰/۳۹۰	-۰/۸۶۱	-۰/۰۵۸	-۰/۰۰۵					روان‌بنه‌ی انقیاد
۰/۲۰۱	-۱/۲۸۲	-۰/۰۷۳	-۰/۰۰۶					روان‌بنه‌ی از خودگذشتگی
۰/۰۸۸	۱/۷۱۳	۰/۱۱۱	۰/۰۰۹					روان‌بنه‌ی بازداری هیجانی
۰/۹۴۶	۰/۰۶۸	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰۱					روان‌بنه‌ی استانداردهای سخت‌گیرانه / عیب‌جویی افراطی
۰/۰۲۴	۲/۲۶۹	۰/۱۴۴	۰/۰۱۳					روان‌بنه‌ی محق بودن / خود بزرگ‌بینی
۰/۵۵۳	۰/۵۹۴	۰/۰۳۷	۰/۰۰۳					روان‌بنه‌ی خودمهارگری ناکافی / انضباط فردی ناکافی

جدول ۴. تحلیل رگرسیون چندمتغیره مقیاس سبک والدینی ناسازگارانه‌ی سهل‌گیرانه بر روی پانزده روان‌بنه منفی شناختی

سطح معناداری	t	ضریب بتا	ضریب b	R <sup>2</sup>	سطح معناداری	درجه آزادی	F	
۰/۴۷۴	-۰/۷۱۶	-۰/۰۵۰	-۰/۰۰۵					روان‌بنه‌ی محرومیت عاطفی
۰/۰۱۰	۲/۶۰۹	۰/۱۶۹	۰/۰۱۶					روان‌بنه‌ی ره‌اشدگی / بی‌ثباتی
۰/۷۶۲	-۰/۳۰۴	-۰/۰۲۲	-۰/۰۰۲					روان‌بنه‌ی بی‌اعتمادی / سوءاستفاده
۰/۶۷۸	-۰/۴۱۵	-۰/۰۳۲	-۰/۰۰۵					روان‌بنه‌ی انزوای اجتماعی / احساس بیگانگی
۰/۰۰۵	۲/۸۱۴	۰/۲۱۷	۰/۰۳۶					روان‌بنه‌ی نقص / شرم
۰/۹۸۴	۰/۰۲۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۱					روان‌بنه‌ی شکست
۰/۸۲۵	-۰/۲۲۲	-۰/۰۱۸	۰/۰۰۳					روان‌بنه‌ی وابستگی / بی‌کفایتی
۰/۴۰۷	-۰/۸۳۰	-۰/۰۵۷	-۰/۰۰۶	۰/۱۵	۰/۰۰۰۱	۱۵ / ۳۱۴	۳/۵۸	روان‌بنه‌ی آسیب‌پذیری در برابر خطر
۰/۳۷۶	-۰/۸۸۶	-۰/۰۶۴	-۰/۰۰۶					روان‌بنه‌ی گرفتارشدگی / خود تحول نیافتگی
۰/۲۴۴	۱/۱۶۷	۰/۰۸۸	۰/۰۰۸					روان‌بنه‌ی انقیاد
۰/۷۲۲	۰/۳۵۷	۰/۰۲۲	۰/۰۰۲					روان‌بنه‌ی از خودگذشتگی
۰/۴۸۸	۰/۶۹۵	۰/۰۴۹	۰/۰۰۴					روان‌بنه‌ی بازداری هیجانی
۰/۷۹۳	-۰/۲۶۲	-۰/۰۱۷	-۰/۰۰۱					روان‌بنه‌ی استانداردهای سخت‌گیرانه / عیب‌جویی افراطی
۰/۲۱۹	۱/۲۳۲	۰/۰۸۶	۰/۰۰۸					روان‌بنه‌ی محق بودن / خود بزرگ‌بینی
۰/۲۸۶	۱/۰۶۸	۰/۰۷۴	۰/۰۰۷					روان‌بنه‌ی خودمهارگری ناکافی / انضباط فردی ناکافی

## بحث

سبک والدینی به عنوان بخشی از تأثیرات خانوادگی، نقش مهمی در جهت دهی به رفتارهای کودکان دارد [۳۷]. بی‌گمان، همه والدین با وظیفه ارتقاء بهینه تحول بهنجار و سلامت کودکان خود در چالش هستند که چالش‌های مذکور هم در جهت رشد و پختگی جسمانی و هم در جهت تحول اجتماعی، هیجانی و عقلانی کودکان می‌باشند [۳۸]. اما سازه والدینی و نحوه برخورد و تربیت فرزندان نیز به عوامل متعددی وابسته است؛ از جمله شخصیت والدین (به عنوان مثال: [۳۹])، اما یکی دیگر از عوامل مرتبط، در سبک والدینی باورها و روان‌بنه‌های والدین است، زیرا روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه (EMS) در چارچوب موضوع‌هایی همچون هیجان‌ها، شناخت‌ها و احساس‌های بدنی، با در نظر گرفتن فرد و رابطه‌اش با دیگران تعریف می‌شوند که در طول دوران کودکی تحول یافته و تا بزرگسالی دوام دارند.

در پژوهش حاضر سعی شد قدرت روان‌بنه‌های منفی والدین در پیش‌بینی سبک‌های ناسازگارانه‌ی والدینی‌شان در نمونه‌ای ایرانی مورد بررسی قرار گیرد. نتایج تحلیل‌های همبستگی حاکی از آن است که ارتباط مثبت معناداری میان روان‌بنه‌های منفی و سبک‌های والدینی ناسازگارانه وجود دارد. نتایج تحلیلی عمیق‌تر نشان داد که سبک والدینی ناسازگارانه‌ی سخت‌گیرانه توسط روان‌بنه‌های رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/سوءاستفاده و محق بودن/خود بزرگ‌بینی قابلیت پیش‌بینی دارد. نتیجه‌ی به دست آمده تا حدی می‌تواند دلیل اتخاذ سبک سخت‌گیرانه را در برابر فرزند تبیین نماید، زیرا افرادی که حامل روان‌بنه رهاشدگی/بی‌ثباتی هستند اعتقاد دارند که روابط‌شان با افراد مهم زندگی ثباتی ندارد و هر لحظه ممکن است افراد مهم زندگی‌شان بمیرند یا او را رها کنند و چون در حوزه‌ی بریدگی و طرد قرار دارند، رفتارشان بی‌عاطفه، سرد، مضایقه‌گر، منزوی، تندخو و غیر قابل پیش‌بینی است. بنابراین دلبستگی ایمن و رضایت‌بخشی با فرزند خود نخواهند داشت زیرا معتقدند که در نهایت تنها می‌مانند. همچنین افرادی که حامل روان‌بنه بی‌اعتمادی/سوءاستفاده هستند بر این باورند که دیگران با کوچک‌ترین فرصت از آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند و اینان نیز چون در حوزه‌ی بریدگی و طرد قرار دارند، رفتارشان بی‌عاطفه، سرد، مضایقه‌گر، منزوی، تندخو و غیر قابل پیش‌بینی است. بنابراین نمی‌توانند با فرزندشان روابط گرمی برقرار کنند زیرا باور دارند که کودک از این رابطه سوء استفاده خواهد کرد.

روان‌بنه‌ی محق بودن/ خود بزرگ‌بینی که در حوزه‌ی محدودیت‌های مختل قرار دارد حاکی از باوری است که خود را یک سروگردن بالاتر از بقیه می‌بیند و حقوق ویژه‌ای برای خود قائل است، پس دور از ذهن نیست که نخواهد با فرزندش تعامل گرمی داشته باشد و به عبارتی فرزندش همیشه بدهکار است و باید تلاش کند چنین والدی را راضی نگه دارد، زیرا آن‌گونه که یانگ [۳۳] معتقد است این افراد توجهی به اینکه خواسته‌شان منطقی

است یا نه ندارند و بدون توجه به همدلی با دیگران و نیازها و احساسات‌شان، به رقابت افراطی یا کنترل رفتارشان می‌پردازند. نتیجه رگرسیون چند متغیره در رابطه با سبک والدینی سهل‌گیرانه نشان داد که این سبک توسط روان‌بنه‌های رهاشدگی/بی‌ثباتی و نقص/ شرم قابلیت پیش‌بینی دارد. این نتیجه نیز تاحدی می‌تواند دلیل اتخاذ سبک سهل‌گیرانه در برابر فرزند باشد زیرا افرادی که حامل روان‌بنه رهاشدگی/بی‌ثباتی هستند، به گفته‌ی یانگ [۳۳] اعتماد ناپذیر و نامنظم نیز هستند و معتقدند که نیاز آن‌ها به ثبات و امنیت و محبت و عشق برآورده نخواهد شد. این افراد به طور معمول در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که آن‌ها نیز سرد و منزوی بوده‌اند، بنابراین بی‌ثباتی یا بی‌اعتمادی‌شان نسبت به دریافت محبت می‌تواند دلیلی بر انتخاب این سبک والدین‌یشان باشد زیرا در این سبک، والدین آن‌گونه که جان‌بزرگی و همکارانش معتقدند [۴۰] نظمی را در خانه حاکم نمی‌کنند، نیازی به رفتار باالغانه ندارند و به خودنظم‌جویی بی‌قاعده معتقدند پس کودکان‌شان به هرکاری که بخواهند می‌پردازند. همچنین افرادی که حامل روان‌بنه نقص/ شرم هستند بر این باورند که در نظر افراد مهم زندگی‌شان فردی منفور، نامطلوب، بی‌ارزش و حقیر هستند. همچنین حساسیت بیش از حد نسبت به انتقاد، طرد و سرزش در آنان به حرمت خود پایین در آنان می‌انجامد. بنابراین در برابر فرزندانشان نیز این احساس‌ها حاکم خواهد بود و باعث می‌شود که والد خود را درگیر فرزند و مسائل وی نکند و با سلب صلاحیت از خود به سلب مسؤلیت از خود می‌پردازد و بدین گونه است که در تربیت و پرورش فرزند سهل‌گیرانه عمل می‌کند.

نکته دیگری که نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد این است که سبک‌های ناسازگارانه‌ی والدینی بیش‌ترین درگیری را با حوزه‌ی بریدگی و طرد دارند که البته روان‌بنه‌های این حوزه اغلب آسیب‌رسان‌ترین روان‌بنه‌ها هستند. البته باید در نظر داشت که از آنجایی که روان‌بنه‌ها، مؤلفه‌های شناختی پویایی هستند و سبک والدینی نیز فرآیند طولانی مدتی هست، سبک والدینی نیز می‌تواند بر روان‌بنه‌ها اثر بگذارد و آن‌ها را البته به صورت جزئی تعدیل و یا تشدید کند.

در نهایت می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که به رغم پژوهش‌های فراوانی که در حوزه‌ی والدینی انجام شده است، هنوز جوان است و نیاز به پژوهش بیش‌تری دارد. هر چند این نکته که روان‌بنه‌ها برای اولین بار است که با سبک والدینی بررسی می‌شوند از نقاط قوت این پژوهش به حساب می‌آید اما پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های این حوزه گسترش یافته و علاوه بر شخصیت و سلامت روان والدین و دیگر عوامل مهم، به عوامل شناختی چون روان‌بنه‌های آنان نیز در پرورش فرزندان‌شان که از عوامل کلیدی است توجه شود و نتایج‌شان به کار گرفته شوند تا والدین با کسب مهارت‌های لازم بتوانند این باورها را کمی تعدیل نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود که پژوهشی در رابطه با پدران نیز انجام گیرد.

پژوهش دانست چرا که شاید وارد شدن این پرسش‌نامه‌ها نتیجه متمایزی را رقم می‌زد.

### نتیجه‌گیری

باتوجه به یافته‌های پژوهش از آنجا که سبک والدینی مادران تهرانی، با باورهای منفی شناختی (روان‌بنه‌ها) رابطه‌ی معناداری دارد، لذا آموزش باورهای منطقی به مادران از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است.

**تشکر و قدردانی:** با تشکر از تمامی کسانی که راه را برای این پژوهش هموار ساختند خصوصا وزارت آموزش و پرورش و مدارس دولتی شهر تهران که کمال همکاری را با مولفین داشتند.

### منابع

1. Smith M. Good parenting: Making a difference. *Early Human Dev.* 2010; 86(11):689-93.
2. Darling N, Steinberg L. Parenting style as context: An integrative model. *Psychol Bull.* 1993; 113(3):487.
3. Baumrind D. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *J Early Adolescence.* 1991; 11(1):56-95.
4. Steinberg L, Elmen JD, Mounts NS. Authoritative parenting, psychosocial maturity, and academic success among adolescents. *Child Dev.* 1989; 60(6):1424-36.
5. Pratt MW, Kerig P, Cowan PA, Cowan CP. Mothers and fathers teaching 3-year-olds: Authoritative parenting and adult scaffolding of young children's learning. *Dev Psychol.* 1988; 24(6):832.
6. Xie Q. Parenting Style and Only Children's School Achievement in China. Annual Conference of the American Educational Research Association (New York, NY); 1996.
7. Baumrind D. Current patterns of parental authority. *Dev Psychol.* 1971; 4(1p2):1.
8. Baumrind D. Rearing competent children. In W. Damon (Ed.), *Child development today and tomorrow* (pp. 349-378). San Francisco: Jossey-Bass; 1989.
9. Oliver PH, Guerin DW, Coffman JK. Big five parental personality traits, parenting behaviors, and adolescent behavior problems: A mediation model. *Pers Individ Diff.* 2009; 47(6):631-6.
10. Briesmeister JM, Schaefer CE. *Handbook of parent training: helping parents prevent and solve problem behaviors.* John Wiley & Sons; 2007.
11. Rhee KE, Lumeng JC, Appugliese DP, Kaciroti N, Bradley RH. Parenting styles and overweight status in first grade. *Pediatrics.* 2006; 117(6):2047-54.
12. Brand S, Hatzinger M, Beck J, Holsboer-Trachsler E. Perceived parenting styles, personality traits and sleep patterns in adolescents. *J Adolescence.* 2009; 32(5):1189-207.
13. Heydari M, Khodapanahi MK. The Impact of perceived parenting style and gender on self-handicapping. *J Fam Res;* 2009.
14. Martinez I, Garcia JF. Internalization of values and self-esteem among Brazilian teenagers from authoritative, indulgent, authoritarian, and neglectful homes. *Adolescence-San Diego.* 2008; 43(169):13.
15. Lindsey EW, Cremeens PR, Colwell MJ, Caldera YM. The structure of parent-child dyadic synchrony in toddlerhood and children's communication competence and Self-control. *Soc Dev.* 2009; 18(2): 375-96.
16. Towe-Goodman NR, Teti DM. Power assertive discipline, maternal emotional involvement, and child adjustment. *J Fam Psychol.* 2008; 22(4):648.
17. Snyder J, Stoolmiller M, Wilson M, Yamamoto M. Child anger regulation, parental responses to children's anger displays, and early child antisocial behavior. *Soc Dev.* 2003; 12(3):335-60.
18. Rubin KH, Stewart S, Chen X, Bornstein M. Parents of aggressive and withdrawn children. *Erlbaum;* 1995.
19. Ghanbari S, Nadali H, Seyyed Moosavi P. Relationship between parenting styles and internalizing symptoms in children. *J Behav Sci.* 2009; 3(2):167-72. [Persian]
20. Enten RS, Golan M. Parenting styles and eating disorder pathology. *Appetite.* 2009;52(3):784-7.
21. Haycraft E, Blissett J. Eating disorder symptoms and parenting styles. *Appetite.* 2010; 54(1):221-4.
22. Coplan RJ, Reichel M, Rowan K. Exploring the associations between maternal personality, child temperament, and parenting: A focus on emotions. *Pers Individ Diff.* 2009; 46(2):241-6.
23. SeyedMosavi S, Nad Ali H, Ghanbari S. The study of relationship between parenting styles and externalizing symptoms in 7 to 9 year old children. *J Fam Res.* 2008;4:37-49. [Persian]
24. Jonbozorgi M, Nori N, Esfahani R. The relationship between parenting styles and children's pro-social behaviour. *Pejouhandeh.* 2009; 13(6):520-7.



25. Davidov M, Grusec JE. Untangling the links of parental responsiveness to distress and warmth to child outcomes. *Child Dev.* 2006; 77(1):44-58.
26. Masten AS. Resilience in developing systems: Progress and promise as the fourth wave rises. *Dev Psychopath.* 2007; 19(3):921.
27. Daemi F, Janbozorgi M. The effect of parenting style and early maladaptive schemas on children's self-esteem. *J Behav Sci*; 2011. [Persian]
28. Raiisi F, Anisi J, Yazdi S, Zamani M, Rashidi S. Mental health and child-rearing styles between candidate adult for addiction withdrawal in comparison with non-addict adults. *J Behav Sci.* 2008; 2(1):33-41. [Persian]
29. Zervides S, Knowles A. Generational changes in parenting styles and the effect of culture. *E-J Appl Psychol.* 2007; 3(1):65-75.
30. Young JE. Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach . (Practitioner's Resource Series)(3<sup>rd</sup> Ed). Professional Resource Exchange; 1994.
31. Stallard P. Early maladaptive schemas in children: Stability and differences between a community and a clinic referred sample. *Clin Psychol Psychother.* 2007; 14(1):10-8.
32. Janbozorgi M. New approach in psychotherapy and counseling. Qom: Research Institute Hawzah and University SAMT; In press. [Persian]
33. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME .Schema therapy: A practitioner's guide: Guilford Press; 2003.
34. Schmidt NB, Joiner Jr TE, Young JE, Telch MJ. The schema questionnaire: Investigation of psychometric properties and the hierarchical structure of a measure of maladaptive schemas. *Cogn Ther Res.* 1995; 19(3):295-321.
35. Waller G, Meyer C, Ohanian V. Psychometric properties of the long and short versions of the Young Schema Questionnaire: Core beliefs among bulimic and comparison women. *Cogn Ther Res.* 2001; 25(2):137-47.
36. Sadooghi Z, Aguilar-Vafaie ME, Rasoulzadeh Tabatabaie K, Esfahanian N. Factor analysis of the young schema questionnaire-short form in a nonclinical Iranian sample. *Iranian J Psychiatr Clin Psychol.* 2008; 14(2):214-9. [Persian]
37. Kann RT, Hann FJ. Disruptive behavior disorders in children and adolescents: How do girls differ from boys? *J Couns Dev.* 2000; 78(3):267-74.
38. Hoghughli MS, Long N. Handbook of parenting: theory and research for practice. Sage; 2004.
39. Huver RM, Otten R, De Vries H, Engels RC. Personality and parenting style in parents of adolescents. *J Adolesce.* 2010; 33(3):395-402.
40. Janbozorgi M, Noori N, Agah-Heris M. Morality, social behavior, and rule acceptance training for children. Tehran: Arjmand; 2011. [Persian]